



سیاست های آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن

دکتر رمضان جهانیان* - ستاره محجویی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲۳ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۶/۱۲)

چکیده

جهانی شدن به مفهوم فرایند جامعه بازبادهکده جهانی اطلاق می شود که در آن همگان از حقوق برابر نظیر آزادی بیان، رشد فکری، آرمان یکپارچگی، انجمن های علمی، فرهنگی و صنعتی با ارشاد مدیران شایسته و رهبران کارآمد آموزشی بر خوردار باشند، به فعالیت های اقتصادی و مبادلات تجاری بپردازند، گفت و گوهای گروهی و جمعی میان آنان بر پایه های منطقی، تناسب اجتماعی گفتار و آموزه های بهداشت روانی استوار باشد، در روابط متقابل از همکاری مثبت و تعامل اثر بخش بهره بگیرند، از آموختن مادام العمر و رشد همه جانبه خویش - در جهانی که فناوری اطلاعات و ارتباطات به سرعت در حال پیشرفت و دگرگونی است - لذت ببرند، فراتر از خودخواهی بیندیشند و به دیگر خواهی تمسک جویند. افراد در این دهکده جهانی به آرمان های انسان دوستانه و خیرخواهانه جامعه بشری پای بندند، به پیروی از پیامبران الهی، مصلحان نوع دوست و شایستگان ارشادگر، زندگی اجتماعی را در حیات هموعان و آسایش و سعادت خود را در خوشبختی و رفاه دیگران جستجو کنند. ایجاد چنین شرایطی در عصر جهانی

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه علوم تربیتی، کرج، ایران.

** کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرج، گروه مدیریت آموزشی، کرج، ایران.

شدن وظیفه اصلی و اساسی آموزش و پرورش است.

کلید واژگان

جهانی شدن، آموزش و پرورش، سیاست ها، قرن ۲۱، عصر تفکر.

مقدمه

تغییر در سیاست های آموزشی و پرورشی، نخستین بار مورد توجه میشل فوکو در اثر مهم وی با عنوان مراقبت و تنبیه قرار گرفت. دیرینه شناسی فوکو از آموزش و پرورش وی را رهنمون به این امر نمود که گسترش دموکراسی مرهون دموکراتیک شدن آموزش و پرورش است. وی با مثال های متعدد خویش این مسأله را بررسی می نماید. اما از آنجا که فوکو در اوایل آغاز دوره جهانی شدن چشم از جهان فرو بست، نتوانست آنچه در تغییر سیاست های آموزش و پرورش به واسطه توسعه جهانی شدن در تمامی حوزه ها رخ می دهد را درک نماید. از این رو این مقاله تلاش می نماید این تغییرات را بررسی نماید. به واقع ورود جهان به هزاره سوم و آغاز عصر اطلاعات پدیده آورنده مناسبات جدیدی در عرصه حیات اجتماعی است که همراهی با آن در گرو آموزش و تربیت افرادی میسر می شود که توانمندی درک چهارچوب های جدید و امکان همسویی با آن را داشته باشند. از این رو در دنیای کنونی دستیابی به فن آوری و بومی سازی آن از یک سو و سرمایه گذاری هدفمند در آموزش عمومی و فرهنگ سازی دو رکن اساسی توسعه پایدار محسوب می شوند. هزاره سوم پدید آورنده مناسبات جدیدی است که همراهی با آن در گرو تربیت افرادی میسر می شود که توانمندی درک چارچوب های جدید و همسویی با آن را داشته باشند. امروزه عنصر مدیریت آموزشی از اهرم های توسعه جامعه بشری است اشتراک دانش و مهارت، توسعه کشورها، خلق ارزش ها، افزایش کارایی، تفاهم بین المللی و تسهیل ارتباطات از مزایای جهانی شدن (۱).

لازمه ماندگاری و دوام و بقا انسان ها در عرصه تحولات پرشتاب در مراکز آموزشی بیشتر از سایر سازمان ها بوده، بدین ترتیب مدارس باید عادت ها و رویه ها را محک مجدد بزنند و با دیده نقادی به راهیابی بهتر در همه زمینه ها بپردازند. در شرایطی که در جهان مدیریت بدون مرز مطرح است و در

صحنه های جهانی به آن پدیده جهانی شدن می گویند سازمان ها به ویژه سازمانهای آموزشی لازم است بر حوزه استحفاظی خویش بیندیشند و هرچه تأثیر عوامل محیطی بر سازمان ها بیشتر می شود، تصمیم های آموزشی بار استراتژیکی پیدا می کنند.

هزاره سوم یادگیری بر چهارستون اصلی یعنی یادگیری چگونه دانستن، چگونه انجام دادن، چگونه با دیگران زیستن و چگونه شدن استوار است و به بیان دیگر امروز رهبران آموزشی باید پاسخگوی سؤالاتی مانند چه چیز را بیاموزیم؟ چگونه بیاموزیم؟ چرا بیاموزیم؟ و تأکید بر خود قضاوتی و خود کنترلی باشند و یادگیری را چنان نهادینه نمایند که حاصل آن انسان های توسعه یافته ای باشد که منجر به نوآوری و نواندیشی در جامعه شوند. (۲)

۱. مبانی نظری

جهانی شدن درک متقابل و تفاهم سازگار به منظور ایجاد ارتباط منطقی و اثربخش است که به تعامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، آموزشی و زیست محیطی صرف نظر از نژاد، جنس، آیین و قومیت های گوناگون منتهی شود. (۳)

به طور کلی در مورد جهانی شدن سه دیدگاه به شرح زیر وجود دارد:

الف. پژوهشگرانی که جهانی شدن را مخاطره ای هولناک برای آینده جامعه بشری ارزیابی می کنند. این گروه نتیجه جهانی شدن را غربی کردن، یکسانی فرهنگی، از بین رفتن ممیزه های فرهنگی، فتح گسترده جوامع گوناگون به وسیله یک فرهنگ خاص می دانند. معتقدند جهانی شدن موجب نشر شکاف های اجتماعی می شود. فقر در کشورهای پیرامونی بیش از پیش افزایش پیدا خواهد کرد و این فقر به بهای افزایش امکانات، فرصت ها و غنی تر شدن سلطه کشورهای مرکزی است. در واقع این افراد بحث جهانی شدن را در قالب رابطه مرکز پیرامون می بینند و این رابطه ظالم و مظلوم است. داراها (کشورها و افراد) در این فرایند دارا تر و ندارها، ندارتر می شوند.

ب. دیدگاه دوم، نتیجه این روند را به مثابه یک مدینه فاضله تلقی می کند که در سایه آن همگرایی، بهره مندی اقتصادی، خلاصی از نظام های غیر دموکراتیک و جامعه مدنی بین المللی و دموکراسی جهانی ایجاد می شود.

پ. دیدگاه سوم متعلق به کسانی است که هم امکانات و هم آسیب های جهانی شدن را می بینند. مقصودی معتقد است، جهانی شدن دارای مزایای زیر است: سهمین شدن در دانش، مهارتها و دارایی های فکری جهانی برای توسعه چند جانبه در سطوح مختلف؛ حمایت متقابل، مکمل و سودمند جهت ایجاد سینرژی در توسعه کشورها، جوامع و افراد، خلق ارزش ها و افزایش کارایی از طریق سهمین شدن جهانی و حمایت متقابل از نیاز های محلی و رشد، تفاهم بین المللی، همکاری، هماهنگی و پذیرش تنوع فرهنگی بین کشورها و مذاهب؛ تسهیل ارتباطات و تعاملات چندجانبه و تشویق مشارکت چند فرهنگی در سطوح مختلف بین کشورها، (۴) اما چنگ معایب جهانی شدن را به شرح زیر می داند: افزایش شکاف تکنولوژیکی و تقسیمات دیجیتال بین کشورهای پیشرفته و کشورهای کمتر توسعه یافته و ایجاد مانع در دسترسی به فرصت های مساوی جهت سهمین شدن منصفانه جهانی؛ ایجاد فرصت های محدودتر برای کشورهای کمتر توسعه یافته که مستعمره سیاسی و اقتصادی سایر کشورها هستند؛ بهره برداری منابع محلی و تخریب فرهنگ بومی کشور های توسعه نیافته به نفع چند کشور پیشرفته؛ افزایش بی عدالتی و تضاد بین مناطق و فرهنگ ها؛ ایجاد فرهنگ های حاکم و تسلط ارزش های بعضی از مناطق پیشرفته و افزایش پیوندهای فرهنگی از مناطق پیشرفته به مناطق کمتر توسعه یافته. (۵)

۲. جهانی شدن و سیاست های آموزش و پرورش

الف. عصر تفکر در عرصه جهانی شدن

تغییر مهمترین عامل موثر در زندگی هر یک از ماست. اطلاعات، فناوری و رقابت عواملی هستند که سبب بروز تغییرات می شوند. کسی موفق است که بتواند سرعت خود را با نرخ تغییرات هماهنگ کند. قانون «علت و معلول» قانون کلیدی و طلایی در تعیین سرنوشت بشر است. بر اساس این قانون تفکر علت و عمل معلول آنست. پس هر پدیده علتی دارد و بنابراین موفقیت به هیچوجه تصادفی نخواهد بود. از اینرو کلیدهای موفقیت با تمرین و تکرار قابل یادگیری است. «تو همانی که می اندیشی» یک سوال مهم آنست که: افراد موفق چگونه می اندیشند؟ در جواب باید گفت تفکرات و صحبت های افراد موفق همیشه پیرامون آن چیزهایی است که می خواهند و اینکه چگونه به آنها برسند. بر خلاف این گروه آدمهای شکست خورده اینگونه می اندیشند که چه نمی خواهند و چه کسی مقصر است؟

خوشبینی مهمترین صفتی است که با خود موفقیت و شادی به همراه دارد. خوشبینی کیفیتی اکتسابی است پس می توان با تمرین و تکرار آن را آموخت. افراد خوشبین همواره این گونه می اندیشند که چه می خواهند و چگونه باید به خواسته های خود برسند. آنها در هر شرایط و موقعیتی تنها نکات مثبت و خوب را می بینند. برای افراد خوشبین شادی یک عادت است. با شادی و خوشبینی می توان مکانیسم خودکار شکست که در ذهن فعال است را از کار انداخت. بزرگترین دشمن شادی، احساسات منفی است. این احساسات اغلب ناشی از آن است که به دنبال مقصر هستیم. پس بیایید برای شاد بودن مسئولیت همه اعمال خود را به عهده بگیریم. یک فرد خوشبین در ورای هر مشکل و دردسری به دنبال نکات مثبت و درسهای ارزشمند و آموزنده است. پس وقتی با مشکلی مواجه می شوی از خود بپرس: چه درس و فرصتی در این مشکل نهفته است؟ این رویه در زندگی و یافتن پاسخ این سوالات زندگی شما را در جهت مثبت دگرگون می کند.

افراد خوشبین دیدگاهی مثبت و سازنده به خود و زندگیشان دارند. این افراد همواره در انتظار موفقیت هستند، خواهان آنند که موقعیتهای بیشتری را بیازمایند و جایگاه واقعی خود را بیابند، آنها شکایا و با پشتکار بوده و تابع قانون احتمالات هستند. هنگامی که شما بیاموزید همواره مثل آدمهای موفق بیندیشید و صحبت کنید، کم کم به همان نتایجی که آنها رسیده اند خواهید رسید. توجه به دو نکته ضروری است؛ اول اینکه هر جا و هر که هستید ناشی از تفکرات شماست، دیگر اینکه شما می توانید با تغییر طرز تفکر خود زندگیتان را تغییر دهید. (۶)

ب. آموزش و پرورش در قرن ۲۱

آموزش و پرورش به دلیل زمینه سازی برای تربیت متخصصان و کاربران فن آوری در قرن ۲۱، از یک سو و نیز به عنوان یکی از متأثران اصلی از فن آوری اطلاعات در فرآیند تربیت فراگیر در این قرن، دارای اهمیت زیادی می باشند. (۷)

متخصصان حوزه تعلیم و تربیت در قرن بیستم عقیده داشتند که معلومات بشر هر ۵ سال ۲ برابر می شود و اکنون در قرن بیست و یکم، معلومات انسان هر ۲ ماه، دو برابر می شود. البته این تحول و دگرگونی در بسیاری از کشورها خیلی پایین تر بوده، به طوری که نسبت کودکانی که به مدرسه می روند،

در کشورهای فقیر خیلی پایین تر از کشورهای ایالات شمالی و غربی آمریکا و اروپای غربی است. اکنون درآستانه جهانی شدن آموزش و پرورش، مسلم شده است که آموزش عمومی باید سرفصل برنامه های آموزش و پرورش جهانی باشد و این باور وجود دارد که درهای مدارس باید به روی تمامی افراد لازم التعلیم باز شود. براین اساس می توان اهداف زیر را برای آموزش و پرورش در نظر گرفت.

۱- آموزش توده ها به خاطر میهن دوستی

۲- دست یابی به توسعه اجتماعی

۳- آموزش افراد با سواد برای کارهای مورد نیاز جامعه

برای دست یابی به اهداف یاد شده، باید آموزش های نوینی را جایگزین نظام های آموزشی دوره های گذشته کرد. توجه کلی، به سیستم های آموزش و پرورش کودکان در مقطع ابتدایی است. در یکصد سال گذشته، سیستم های آموزشی نتوانسته اند میان هدف ها و محتوای آموزشی با متن زندگی ارتباط برقرار کنند. از این نظر کلاپارد^۱ معتقد است، مدارس از زندگی بسیار دور است. محیطی است که به قدر کافی، شرایط اجتماعی را که عضو جامعه باید در آن بسر برد، نمایان نمی سازد.

به علاوه از شواهد چنین برمی آید که انسان امروزی در حال ورود به دورانی است که در آن علم به صورت نهادی مسلط درآمده است و شرایط جدیدی پیش خواهد آمد که کاملاً غیرقابل پیش بینی است و تنها راه مقابله با آن پرورش و آماده سازی انسان ها برای درک و پذیرش تغییراتی است که پیش خواهد آمد. به عبارت دیگر، انسان امروزی در حال ورود به عصر فراصنعتی است، عصری که سمبل آن کامپیوتر است و در آن سه عنصر، زور، پول و دانایی در حیات اقتصادی و سیاسی بشر نقش مهمی ایفا خواهند کرد. اگر برای کشورهای جهان سوم راهی باقی است، این راه، تنها در تقویت بنیان های دانایی و برپایی ساختارهایی است که در جهت تربیت هرچه بیشتر و بهتر فرزندان این جوامع بکوشد و آنها را آماده دنیای پر از تغییر و تحول امروز و آینده نماید. بدون شک، تغییراتی بسیار و همه جانبه در آموزش و پرورش کشورهای جهان سوم لازم است تا شرایط مورد نظر فراهم آید.

برای فراهم ساختن شرایط آموزش برای همه، نظام های آموزشی به تنهایی به عرضه آموزش و کارآموزی های متناسب با دگرگونی های اخیر در قرن حاضر قادر نخواهند بود مگر اینکه نظام های

^۱ - Kelapard

آموزشی خود را با تغییرات درون سازمانی و برون سازمانی، تغییر شکل وظایف، عملیات، ساختار و اجرای ترکیبشان وفق دهند و انعطاف پذیری خود را به طور مستمر حفظ کنند. از این رو آموزش و پرورش وظیفه دارد، دائماً تحولات محیطی را بررسی کرده و هرگونه تغییرات و تحولات قابل پیش بینی را در تصمیم گیری های خود برای وصول به نقطه تعادل دخالت دهد. (۸)

ب. تغییر در سیاست های آموزش و پرورش زمینه ساز فرایند جهانی شدن

همزمان با ورود به قرن بیست و یکم، نیاز شدیدی به رهبران آموزشی شایسته احساس می شود که با هوشیاری و دانش کافی بتوانند شرایط حاکم بر جهان را از لحاظ سیاسی و اقتصادی درک کرده، با تشریک مساعی با مردم، رهبری عاقلانه و مدیریت عالمانه شکافهای موجود را پر کرده و از آموزش و پرورش به مثابه فرایندی تاثیرگذار در گفت و گوی فرهنگها و ارتباط آنها با رشته های علمی، استفاده کنند. کلیه نهادهای آموزشی در سطوح ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و همچنین دانشگاهها به منظور توفیق در فرایند جهانی شدن و غلبه بر موانع و چالشهای موجود می توانند به موارد زیر توجه خاص مبذول دارند:

- ۱- آموزش و پرورش باید امری، تاثیرگذار، فراگیر و تعهدی مادام العمر تلقی شود. یادگیری در دنیایی که فناوری به سرعت در حال تغییر است ایجاب می کند که آموزش بیش از توجه به موضوع یک رشته علمی، استعدادها و ظرفیت های گوناگون یادگیری را در دانش آموزان تقویت کند.
- ۲- آموزش و پرورش باید با مراحل رشد دانش آموزان، یعنی درست به هنگام و در زمان لازم شکل گیرد، دسترسی به آن در همه جا، خواه در خانه، خواه از طریق اینترنت و یا رسانه های جمعی و کلاسهای درس آسان باشد. نهادهای آموزشی سازمان حرفه ای و رسانه های گروهی تمهیدات و تسهیلات آموزش مداوم را فراهم کنند.
- ۳- آموزش و پرورش باید به تفکر انتقادی، ارتباطات اثر بخش و روش حل مسئله توجه کرده، تنها به انتقال دانش و حقایق اکتفا نکند. از فرصت ها و شرایط جدید برای یادگیری های به هنگام دانش آموزان بهره گرفته، راه حل های برقراری ارتباط و تبادل ایده ها را به طور موثر در دانش آموزان با توجه به تفاوت های فردی ارائه دهد.

۴- آموزش و پرورش به منظور رشد و توسعه پایدار در جوامع و شهرها در زمینه تربیت نیروهای شایسته در کلیه مشاغل سرمایه‌گذاری کند و از نهادهای اجتماعی مجزا نماند.

۵- آموزش و پرورش وظیفه دارد دانش‌آموزان را برای شهروندی جامعه جهانی آماده کند. تنها درک و فراگیری تاریخ، فرهنگ و زبان و ادبیات کشور بومی کافی نیست، بلکه مطالعه و بررسی تاریخ، فرهنگ و زبان جهان و کسب اطلاع از بازارهای جهانی دانش‌آموزان را در مسیر شهروند‌گرایی جهانی سوق می‌دهد.

۶- آموزش و پرورش بسترساز فرهنگ همکاری‌های گروهی در مدرسه و تشریک مساعی با نهادهای بازرگانی و صنعتی و نهادهای آموزشی دیگر است. دانشگاه نیز که خود از نهادهای آموزش عالی محسوب می‌شود در قرن بیست و یکم باید پاسخگوی نیازهای متغیر جامعه باشد. (۹)

با مطرح شدن کلاسهای درس مجازی، اینترنت، نظام های آموزشی دیگر در کنار آموزش رسمی نمی توان آنها را نادیده گرفت و صرفاً به مقابله با آنها پرداخت، بلکه باید با تعیین مأموریت ها، چشم اندازها، اهداف کلان و خرد، می بایست از این نظامهای یادگیری مجازی حداکثر بهره برداری ارتقاء سطح کیفی و کمی مهارت های یادگیری و یادهی، کسب نمود و این امر مستلزم پویایی نظام آموزشی و توجه مسئولان و مدیران این نظام است. (۱۰)

ت. مسائل اساسی سیاست های آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن

کسی به طور قطع نمی تواند ابراز نظر کند که قرن بیست و یکم دارای چه ویژگی هایی خواهد بود. اما آنچه مسلم است این است که دنیا مانند هزاران سال قبل، روال آرام و کندی نخواهد داشت و بسی جای امید است که انسان با تکیه بر هوش و تفکر خود که از ویژگی های ستایش شده او در قرآن کریم می باشد و به واسطه ی آن به عنوان اشرف مخلوقات معرفی شده است، راهکارهایی در برابر موانع آن قرن بیابد. اما آنچه که به نظر می رسد آموزش و پرورش با چهار مسئله ی مهم در قرن بیست و یکم مواجه خواهد بود که اگر از هم اکنون درصدد پاسخ قاطع برای آن نباشد، نگران کننده خواهد بود. (۱۱)

۱- جمعیت افزاینده ی دانش آموزی و برنامه ریزی دقیق و پیش نگر

۲- کیفیت آموزش و استاندارد های علمی جهانی و بومی

۳- افزایش بهره وری در همه ابعاد

۴- مطالعات تطبیقی و تحول بر مبنای زمان و ضرورت و فرهنگ

فشارهای سیاسی بویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته تأثیرات تخریبی بیشتری داشته است. آموزش و پرورش که برای توسعه نیازمند محیطی آرام و دور از تنشج است، بواسطه‌ی جریانات سیاسی خدشه می‌پذیرد و نیرو و وقت محدود که آموزش و پرورش در اختیار دارد و باید در جهت اصلاحات صرف شود، متوجه‌ی تشنجات سیاسی می‌گردد.

از سوی دیگر منابع مادی کمیاب در کشورهای در حال توسعه، که فشار جمعیت جوان نیز در آنها مخاطره آمیز است، عمدتاً در جهت توسعه‌ی کمی الزاماً به توسعه کیفی نمی‌گردد و پدیده‌ی فارغ التحصیلان بیکار معضل دیگری است که می‌تواند فشارهای مطرح شده را تشدید نماید.

فشارهای اجتماعی از قبیل فقر، بیکاری، مفاسد اجتماعی، پدیده‌ی مهاجرت روستائیان و رشد شهرنشینی، اعتیاد، خانواده‌های از هم گسیخته نیز زمینه‌ی ارائه‌ی آموزش و پرورش مطلوب را تخریب می‌کند و آموزش و پرورش در آستانه‌ی هزاره‌ی سوم بار مسؤولیت عظیمی در احیای ارزش های اخلاقی در جهت کاهش موارد مذکور دارد. در اینجا لازم به یادآوری است که نقش معلم نه تنها آموزش است، بلکه آموزش توأم با پرورش است. (۱۲)

در آغاز هزاره‌ی سوم جوامع و مدارس بیش از گذشته در معرض تغییرات سریع و اساسی هستند و ضرورت ارزیابی و تداوم ارزیابی در مورد فلسفه‌ی آموزش و پرورش مطرح می‌گردد.

از نظر دیوئی فلسفه‌ی اجتماعی تربیتی که مدارس بر اساس آن استوار است، می‌تواند بعنوان صافی اولیه برای توسعه‌ی برنامه‌ی اجتماعی محسوب گردد و نتیجه می‌گیرد که فلسفه در جهت تعریف ماهیت یک زندگی خوب و یک جامعه خوب کوشش می‌کند. بنابراین در جوامع آزاد ارزش‌های آزادی‌خواهی و دموکراتیک از طریق مدارس منتقل می‌گردد.

در آموزش و پرورش هزاره‌ی سوم که تنوع و خردگرایی در آن حائز اهمیت است و نظام آموزشی قالبی رنگ باخته؛ مادر معرض یک تضاد اجتماعی و فردی قرار داریم. ما تنها خواهان پرورش شهروند و جامعه خوب نیستیم، بلکه نیازمند پرورش انسان‌هایی هستیم که یاد بگیرند به بهترین نحو در کنار دیگران با صلح زندگی کنند. اندیشه‌های فلسفی معاصر لازم است پاسخی مناسب برای این تضاد بزرگ

بیابند و محتوای دروس راه نیل به هدف بزرگ تعلیم و تربیت را که همانا راه بهتر زیستن است ارائه نمایند. (۱۳)

ث. بصیرت های مورد نیاز سیاست های مدیریتی در آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن امروزه در هر جامعه ای و با هر نگرشی، عنصر مدیریت در آموزش و پرورش یکی از اهرم های توسعه جامعه بشری است. مدیریتی که برای خود صاحب تئوری بوده و بینش و بصیرت داشته باشد. زیرا برای تحقق هر جامعه باید به مهم ترین بخش سازمانی و مغز توفنده یعنی مدیریت و قلب تپنده آن یعنی ابزارهای مدیریت توجهی ویژه داشت، تا زمانی که مدیریت های ما مغزهای توفنده و قلب های تپنده نداشته باشند و مسلح، و مجهز به بصیرت ها و تئوریها نباشند نخواهند توانست به اهداف خود برسند. (۱۴)

بصیرت های مورد نیاز مدیریت در آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن عبارتند از:

- ۱- بصیرت قانونی: مدیران آموزش، دانش آموزان، معلمان و کارکنان باید قوانین و مقررات و حدود اختیار و مسئولیت خود را بدانند و این فقط از طریق بصیرت قانونی امکان پذیر است.
- ۲- بصیرت مهارتی: مهارت هایی که به اندازه کافی تمرین نشده اند به زودی فراموش می شوند و منجر به تخصص زدایی می گردد. بنابراین باید در برنامه های درسی آموخته شود که عمیقاً دانش آموز را با تفکر انتقادی، حل مسأله، قدرت تصمیم گیری، چگونگی ارتباط مؤثر، مهارتهای بین فردی، شیوه خود مدیریتی، همدردی با دیگران، چگونگی مقابله با مسائل عاطفی و انواع استرس و چگونگی برنامه ریزی شغلی آشنا گردیده و در آنها نهادینه گردد.
- ۳- بصیرت پژوهشی: آموزش در بستر پژوهش پایدار و مفید است. در این فرآیند برای دانش آموزان فرصت فراهم گردد تا به کمک معلمان با فرایند پژوهش و مهارتهای آن آشنا شوند.
- ۴- بصیرت تکنولوژی: مدیران باید دانش آموزان را با تکنولوژی جدید آشنا ساخته و زمینه ورود این فن آوری را برای آنها در کلاس درس فراهم آورند، بدین ترتیب فاصله بین کلاس درس و دنیای واقعی کم می شود.
- ۵- بصیرت تشکیل سمینارها جهت آگاهی فردی: با توجه به سن دانش آموزان، در سمینارها و نشست

ها آنها را با اهداف مراکز آموزش، رشته های تحصیلی، منابع و سرچشمه های علمی، مراکز مشاوره و... آشنا کنند.

۶- بصیرت یادگیری در دنیای واقعی: پل زدن بین مفاهیم مورد تدریس و دنیای واقعی باید بخشی از برنامه درسی باشد و یا توسط معلمان از طریق غنی سازی محتوا خلاء و شکاف بین درس و دنیای واقعی ترمیم شود.

۷- بصیرت در امر کیفیت تدریس: تشویق مهارت های کار گروهی، ایجاد مهارت های خلاقیتی، انتقادی، تشخیص حل مسأله، خود آغازگری، خود قضاوتی و خود راهبری در امر تدریس از محورهای ارتقای کیفیت تدریس است.

۸- بصیرت چگونگی کار بست و وسعت منابع یادگیری: دانش آموزان را به چگونگی استفاده از منابع اطلاعاتی و علمی آشنا سازند. (۱۵)

همچنین سیاست های راهبردی رهبری آموزشی در عصر جهانی شدن عبارتند از:

۱- مدیران و رهبران آموزشی باید به رشد ابعاد جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی و بوم شناختی دانش آموزان توجه کنند.

۲- جهانی بیندیشند و به هنگام عمل امکانات و محدودیت های محلی را در نظر بگیرند.

۳- در تنظیم و طراحی آموزشی برنامه درسی و مدل یابی با معلمان مدرسه مشارکت کنند.

۴- با مراکز آموزش جهانی نظیر سازمان علمی، تربیتی و فرهنگی ملل متحد یونسکو در زمینه های یاددهی یادگیری در تماس باشند.

۵- راه های بهتر غلبه بر تفاوت های فردی دانش آموزان در مدرسه و کلاس را دنبال کنند تا زمینه برابری آموزشی در محیط های آموزشی ایجاد شود و پرورش تدریجی فراگیران به سوی کمال شکل گیرد.

۶- با سبک های یادگیری دانش آموزان در کلاس آشنا شده، روش های تدریس معلمان را با سبکهای یادگیری دانش آموزان تلفیق کنند.

۷- دانش آموزان را به بررسی و درک تاریخ و فرهنگ کشورهای همجوار تشویق کنند.

۸- دانش آموزان را به بررسی و تجزیه و تحلیل مشی ها، فرایندها و نوآوری هایی که مدرسه را به

پیشرفت سوق می دهد هدایت کنند.

۹- در ارائه برنامه های فرهنگی اجتماعی ارتباطات میان آموزش و پرورش و نهاد های اجتماعی دیگر، آموزش و پرورش و کار یا حرفه و آموزش و پرورش و شهروند جهانی و اختلاف هایی که در یادگیری آنان نقش دارد بررسی و تجزیه و تحلیل کنند.

۱۰- نقش شبکه های جهانی و فن آوری های اطلاعاتی را در یادگیری دانش آموزان با استفاده از رویکردهای آموزشی اجتماعی ساختار گرای تبیین کنند.

۱۱- پروژه های تحقیق به مثابه برنامه درسی مشترک نام رشته های علمی به منظور یادگیری نظیر پروژه های میدانی یادگیری خدمات فعالیت های آموزش را به گونه ای طراحی کنند که اندیشه های محتوایی و فرآیندی با هم تلفیق شود.

نتیجه گیری

جهانی شدن فرآیندی است که حاکمیت و هویت فرهنگی ملل را در سطوح خرد و کلان تحت تأثیر قرار داده است، در عرصه جهانی شدن، نظام های آموزش و پرورش نمی توانند خود را جدا یا دور از این فرایند رو به گسترش در نظر بگیرند. امروزه جهان به صورت یک کلاس درس در آمده و دانش آموزان، دانشجویان و تمامی فراگیران از سراسر دنیا می توانند از این کلاس جهانی، خوراک فکری بگیرند و این وظیفه مدیران و معلمان است که دیوار کلاس و مدرسه را به جامعه وصل کنند. پذیرش راه حل های کلیشه ای و بسته ای دیگر جایگاهی ندارد و باید طرحی نو در انداخت. بنابراین در راستای جهانی شدن آموزش و پرورش، اقدامات زیر ضروری به نظر می رسد: گسترش فرهنگ مشارکت و مدیریت مشارکتی در مدارس. تحول در اهداف، ساختار روشها و کلیه اجزاء سیستم آموزشی به نحوی که پاسخگوی تغییرات باشند. ایجاد زمینه برای نوآوری و خلاقیت معلمان و دانش آموزان. کاهش دیوان سالاری اداری. حرکت به سمت عدم تمرکز و مدرسه محوری. توجه به مدیریت کیفیت در سازمان های آموزشی. حرکت از برنامه روزی به سمت برنامه ریزی و پرهیز از تقدیر گرایی. تبدیل سازمانهای آموزشی به سازمان یادگیرنده. استفاده از فراشناخت در آموزش. فراهم نمودن زیر ساخت های لازم برای استفاده از فن آوری های جدید. آموزش مسئولین، مدیران و معلمان و تربیت شهروندان جهانی از جمله سیاست

هایی است که آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن باید دنبال نماید.

Archive of SID

منابع

- ۱- محمد رضا کرمی پور، *جهانی شدن در مدیریت و رهبری آموزشی* (تهران، انتشارات سازمان پرورش و برنامه ریزی، ۱۳۸۲)، ص ۱۲۳.
- ۲- حسن شهرکی پور و پریناز بنی سی، *نگاهی به مسائل آموزشی در هزاره سوم* (تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه، ۱۳۸۳)، ص ۱۵.
- ۳- کرمی پور، *پیشین*، ص ۱۳۰.
- ۴- مجتبی مقصودی، «جهانی شدن، یکپارچه سازی و یکسان سازی»، *روزنامه آفتاب یزد*، شماره ۱۲، ۱۳۷۹، ص ۵.
- 5- Yin Cheong Cheng, "A CMI-triplication Paradigm Education in new Millennium", *The Intonation Journal of Education Management*, Vol. 14, No. 4, 2004, p. 214.
- ۶- پیتر دریوکر، *مدیریت در جامعه آینده*، ترجمه غلامحسین خانقایی (تهران: انتشارات فراسال نشر، ۱۳۸۳)، ص ۹۸.
- ۷- کیومرث نیاز آذری، *رفتار و روابط انسانی در سازمان های آموزشی هزاره سوم* (تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه، ۱۳۸۱)، صص ۶۸-۶۶.
- ۸- غلامرضا نصرتیه، «چگونگی تحول در نظام های آموزشی»، *بانک اطلاعات علوم تربیتی*، سند شماره ۴۶۵۰، ۱۳۷۸.
- ۹- کرمی پور، *پیشین*، ص ۱۲۶.
- ۱۰- پروین کدیور و صغری ابراهیمی قوام، *جهانی شدن و تعلیم و تربیت* (تهران: انتشارات پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳)، ص ۵۸.
- ۱۱- پیتر دریوکر، *چالش های مدیریت در سده ۲۱*، ترجمه رضایی نژاد، عبدالرضا (تهران: انتشارات فرا، ۱۳۷۸)، ص ۱۶۹.

13- Siler and Alexander, **The Case for Progressivism in Education Massachusetts** (New York: Palgrave, 1984), p. 24.

۱۴- غلامحسین حیدری تفرشی، رضا یوسفی سعید آبادی و اسداله خدیوی، **نگرشی به نظریات سازمان و مدیریت در جهان/امروز** (تهران: انتشارات فراشناختی اندیشه، ۱۳۸۱)، ص ۷۶.

۱۵- کرمی پور، **پیشین**، ص ۱۴۶.